



مکاسب

زکات:

در مورد چیزهایی وضع شده که انسان آنها را با کمک طبیعت به وجود می آورد، آن هم طبیعت سهل و ساده؛ یعنی انسان به نسبت کار کمی انجام می دهد و طبیعت کار بیشتر را انجام می دهد و محصول را مفت و رایگان در اختیار انسان می گذارد .

مثلاً گندم که انسان بوجود می آورد در قسمت کمی، فکر و عمل او دخالت دارد و قسمت بیشتر فعالیت طبیعت است. لذا اسلام به انسان می گوید اینجا که از سخاوت طبیعت استفاده می کنی مقداری از آن را باید در راههای دیگر بدهی اینجا اگر چیزی با زکات قابل قیاس باشد موارد دیگر مثل برنج است: چرا گندم باید زکات داشته باشد و برنج نداشته باشد؟

این مساله در سابق هم مطرح بوده است در جواب گفته اند آن سادگی در موارد زکات هست در برنج نیست یعنی به آن سادگی که گندم به دست می آید برنج به دست نمی آید و زحمت زیادی می خواهد و زکات در واقع به این علت است که یک مقدار از چیزی را که طبیعت رایگان در اختیار انسان قرار می دهد به دیگران بدهد .

زکات مال، در ۹ چیز واجب است شتر، گاو، گوسفند، طلا، نقره، گندم، جو، کشمش و خرما.

اما مالیات موضوع دیگری است امری متغیر و از اختیارات حکومتی است. وضع مالیات از اختیارات حاکم شرعی است. او در هر زمانی می تواند برای هر چیزی ماشین و غیرماشین هر چه باشد برطبق مصلحتی که ایجاد می کند مالیات وضع کند. این ربطی به زکات ندارد. بنابراین نباید زکات و مالیات را با هم مقایسه کرد.

خمس

امام علیه السلام به عنوان رئیس حکومت هزینه‌هایی دارد که باید تأمین شود. او برای پیشبرد نظام اسلامی و اداره جامعه، به بودجه فراوانی نیاز دارد. فریضه خمس برای تأمین این منظور، بر متمکنان جامعه واجب گردیده است.

خمس برای تأمین بودجه هر کار خیری است که امام بخواهد انجام دهد و برای هر موردی که صلاح بداند، مصرف کند .خمس وسیله‌ای برای رشد و کمال انسان محسوب می‌شود. همچنان که هر فرد با انجام دادن هر وظیفه‌ای، مرحله‌ای از کمال را می‌پیماید؛ با ادای خمس به قصد قربت و بریدن از دنیا نیز وظیفه‌اش را انجام داده و خود را از گناهان پاک نموده و به سوی کمال ترقی می‌کند.

در هفت چیز خُمس واجب است :

- ۱- آنچه از خرج سال زیاد بیاید .(منفعت کسب) ۲ - معدن ۳- گنج ۴ - غنائم جنگی ۵ - جواهری که بواسطه فرو رفتن در دریا به دست آید. ۶ - مال حلال مخلوط به حرام ۷ - زمینی که کافر ذمی از مسلمانی بخرد.

تفاوت خمس و زکات با مالیات

تفاوت اول

مالیات، هزینه‌ای است که شما می‌پردازید تا دولت، رفاه شما را بیرون منزل تأمین کند. مثلاً بیرون منزل شما بوستانی احداث کند همان گونه که خود نیز در منزل باغچه احداث می‌کند.

هر کسی حیاط منزل خود را موزائیک یا سنگ می‌کند، به دولت نیز مالیات می‌دهد تا بیرون منزلش را اسفالت کند.

درب منزل خود را قفل می‌زند، به دولت نیز مالیات می‌دهد بیرون منزل پلیس بگمارد.

در منزل لامپ روشن می‌کند، به دولت نیز مالیات می‌دهد تا بیرون منزل، کوچه و خیابان را روشن کند.

در منزل کپسول آتش نشانی دارد، به دولت نیز مالیات می‌دهد تا بیرون منزل ماشین آتش نشانی را آماده داشته باشد.



بنابراین مالیات، خرج خود شما می‌شود و نظیر پولی است که شما در منزل برای زندگی شخصی هزینه می‌کنید. با این تفاوت که آنچه در منزل خرج می‌کنید مستقیم است و آنچه در بیرون خرج می‌شود به واسطه مالیاتی است که به دولت می‌دهید.

تفاوت دوم

پرداخت خمس و زکات، به عنوان یک عبادت است و در آن قصد قربت لازم است که اگر نباشد عمل قبول نمی‌شود. بر خلاف مالیات که قصد قربت نمی‌خواهد و نوعاً با اکراه پرداخت می‌گردد.

تفاوت سوم

خمس، زیر نظر عالم‌ترین، محبوب‌ترین، با تقوی‌ترین فردی که با تحقیق انتخاب شده، یعنی فقیه عادل مصرف می‌شود، بر خلاف مالیات که چنین شرطی در آن نیست و لذا گاهی غیر عادلانه هزینه می‌شود. به علاوه اتصال طبقه محروم با عالم ربانی زمینه‌ساز پندپذیری و اطاعت از خدا و رسول است و فقرا و سایر گیرندگان، چون خمس را از دست جانشین امام زمان علیه السلام می‌گیرند احساس حقارت نمی‌کنند.

تفاوت چهارم

در خمس و زکات به پرداخت کننده اعتماد می‌شود، یعنی اولاً خودش حساب مال خود را می‌کند نه بازرس و مأمور دولت. ثانیاً کسی را که می‌خواهد مال خود را به او بدهد انتخاب می‌کند که کدام مرجع و عالم متقی‌تر باشد. ثالثاً از مصرف آن زیر نظر مجتهد عادل آگاه است و می‌داند در کجا هزینه می‌شود.

تفاوت پنجم

در خمس و زکات هدف گیرنده، رشد و پاک کردن مردم و هدف پرداخت کننده قرب به خداست.

تفاوت ششم

خمس را از مازاد مخارج سالانه می‌گیرند، ولی مالیات از اصل درآمد مردم گرفته می‌شود.

ضرورت آشنایی با آداب معامله

مسلمان قبل از هر چیزی باید در این اندیشه باشد که کارش چگونه مورد رضایت خدا قرار می‌گیرد و لازمه چنین هدفی آن است که احکام و وظایف خود را در زمینه کار خود بشناسد تا بتواند در عمل آنها را اجرا کند. از این رو، امیرمؤمنان (ع) فرمود: «یا معشر التجار الفقه ثم المتجر، الفقه ثم المتجر... ای جامعه تجار و معامله‌گرا! اول یادگیری مسائل شرعی تجارت، بعد تجارت»، و این جمله را سه بار تکرار کرد.

پس اولین وظیفه در تجارت و معامله، آموختن احکام شرعی و بعد تلاش برای عمل به آن است تا داد و ستد به صورت صحیح انجام گیرد و اموالی که از آن راه به دست می‌آید، حلال باشد و بتواند در آنها تصرف کند. اما چنانچه دقت کافی در یادگرفتن احکام شرعی نداشته باشد و معامله به صورت باطل انجام گیرد، اموال به دست آمده نیز حرام خواهد بود و تصرف و استفاده از آن جایز نیست و اگر خود یا خانواده‌اش از آن مال حرام استفاده کند، اثر سوء خود را خواهد گذاشت. به علاوه، در قیامت هم مورد بازخواست خواهد بود. از این رو، امام راحل و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی در این زمینه می‌فرماید:

«واجب است بر هر کسی که تجارت می‌کند و سایر معاملات را انجام می‌دهد، احکام شرعی آنها را و مسائل مربوط به آنها را یاد بگیرد تا معاملات و تجارت‌های صحیح و باطل را بشناسد».

مستحبات معامله

آداب و دستورهای نیز در این باره بیان شده است که شایسته است مسلمان آنها را مراعات کند تا رنگ عبادت و بندگی به معامله بدهد و خداوند مهربان هم از او راضی و خشنود باشد.

امام خمینی (قدس سره) می‌فرماید:

«تجارت و کسب، آدابی دارد که بعضی از آنها مستحب است که بهتر است آنها را انجام دهد و بعضی مکروه است که بهتر است آنها را ترک کند». سپس مهم‌ترین آداب مستحب تجارت را چنین بر می‌شمارد:



۱. در معامله میان‌ه‌رو باشد؛ یعنی از طرفی حریص نباشد و از طرف دیگر، سهل‌انگار و بی‌تفاوت و بی‌حال هم نباشد؛ به طوری که در تنگنا قرار گیرد.
۲. اگر طرف معامله پشیمان شد، معامله را فسخ کند و سخت‌گیری نکند.
۳. از نظر قیمت با همه خریداران یکسان برخورد کند و با یک قیمت بفروشد، نه اینکه به کسی که چانه می‌زند، ارزان‌تر بفروشد و به کسی که چانه نمی‌زند، گران‌تر بفروشد. به تعبیر دیگر، قیمت مقطوع داشته باشد تا در نتیجه نه خود را اذیت کند، نه دیگران را.
۴. بعد امام اضافه می‌کند: «آری، مانعی ندارد که در مورد کسی که دارای تقوا و فضیلت اخلاقی است، فرق بگذارد و از او کمتر بگیرد».
۴. هنگامی که جنس را تحویل می‌گیرد، کم بگیرد و موقعی که جنس را به کسی می‌دهد، بیشتر تحویل دهد و یا به تعبیر دیگر، جنس را کامل‌تر تحویل دهد.

امور مکروه در معامله

در معامله برخی امور هم مکروه است؛ یعنی بهتر است آنها را ترک کند که تعدادی از آنها از این قرار است:

۱. فروشنده جنس خود را تعریف کند (البته بیش از آنچه هست).
۲. مشتری «در معاملات کلا به کلا» از جنس خود (بیش از اندازه) تعریف کند.
۳. قسَم راست برای خرید و فروش بخورد. روشن است که قسم دروغ، حرام است و جایز نیست.
۴. فروختن جنس در جایی که عیب جنس را پنهان می‌کند.
۵. گرفتن سود از شخص مؤمن مگر به مقدار ضروری.
۶. دریافت سود از کسی که به او وعده احسان داده است، مگر به مقدار ضروری.
۷. عرضه کردن کالا بین طلوع فجر و طلوع آفتاب.
۸. ورود به بازار قبل از همه و خروج از بازار بعد از همه.
۹. معامله با افرادی که به حرف و وعده خود اهمیت نمی‌دهند.
۱۰. تقاضای پایین آوردن قیمت بعد از قرارداد.
۱۱. وارد شدن در معامله کسی که مشغول معامله است که بعضی آن را حرام دانسته‌اند.
۱۲. رفتن به استقبال کاروان بازرگانان که کالای تجاری وارد می‌کنند و با شرایط خاص آن.

دو نکته

در اینجا لازم است دو نکته اساسی و مهم هم مورد توجه قرار گیرد:

- اول اینکه علاوه بر این دستورها و وظایف ویژه‌ای که باید در معاملات رعایت شوند، انسان به دستورهای عمومی و واجبات دیگر نیز در جای خود عمل کند تا این خدمات به عنوان عبادت به حساب آیند و به اجر و پاداش الهی دست یابد.
- دوم اینکه در معاملات و فعالیت‌های خود برخورد اسلامی و انسانی را در هر حال با همه کس به کار بندد و از هر گونه کار حرام از قبیل دروغ‌گویی، تهمت و بهتان، چاپلوسی، کلاه‌برداری و حقه‌بازی، قسم خوردن بپرهیزد و با صداقت و خوش‌رویی و متانت عمل کند و روزی و برکت معامله را از خدا بخواهد.

بازار اسلامی

امیرمؤمنان(ع) وقتی در بازار می‌گشت، این چنین می‌فرمود:

- «ای تاجران! از خدا طلب خیر کنید، و با سهل و آسان‌گیری برکت بجویید، و در جایگاه به خریداران نزدیک شوید، و به حلم و بردباری خود را زینت دهید، و از سوگند خوردن بپرهیزید و از دروغ‌گویی کناره‌گیری کنید، و از ستم به دیگران بترسید، و حق مظلومان را بپردازید، و به ربا نزدیک نشوید، و پیمانانه و ترازو کامل کنید، و از اموال مردم و حق آنان کم نگذارید، و در زمین مایه فساد نشوید».
- آن حضرت در بیان دیگر فرمود:



«ایها الناس ایاکم وحبّ الدنیا فإینها رأس کلّ خطیئة و باب کلّ بلیة، و قرآن کلّ فتنة، وداعی کل رزیة؛ ای مردم! از حبّ دنیا و علاقه به آن برحذر باشید که حبّ دنیا سرآغاز هر گناه و خطایی است و در ورودی هر بلا و گرفتاری است و موجب نزدیکی به هر فتنه‌ای است و انسان را به بلا و مصیبتی فرامی‌خواند».

آری، برادر عزیز مواظب باش از دنیا فقط به عنوان ابزار و وسیله استفاده کنی، نه اینکه آن را هدف قرار دهی تا تو را از همه چیز غافل کند و وقتی بیدار شوی که کار از کار گذشته است. بکوش از معامله‌گرانی باشی که پیامبر اکرم(ص) فرمود: «تاجر و معامله‌گر امین و راست‌گو و مسلمان روز قیامت با شهیدان خواهد بود».

و در حدیث دیگری فرمود: «او در قیامت در سایه حمایت و عرش خدا خواهد بود».

نه در زمره کسانی که خداوند در قرآن می‌گوید: (حتی إذا جاء أحدهم الموت قال ربّ ارجعونی لعلی اعمل صالحاً فیما ترکت کلاً آنها کلمة هو قائلها و من ورائهم برزخ إلی یوم یبعثون؛) «آن گاه که وقت مرگ رسد، (با پشیمانی) گوید: بارالها! مرا به دنیا باز گردان تا شاید به تدارک گذشته، عملی صالح به جای آورم. به او خطاب می‌شود که هرگز چنین نخواهد شد و این سخنی است که او به زبان می‌گوید؛ در حالی که پشت سر آنان عالم برزخ است تا روزی که برانگیخته شوند».

آری، دنیا بازاری است که به قول امام هادی(ع): «جمعی در آن سود می‌برند و گروهی زیان می‌برند».

چنانچه تحت جاذبه و زرق و برق سکه‌ها قرار گیریم و همه هم خود را به جمع مال اندوزی صرف کنیم، آنگاه است که مال و ثروت ما را به سوی هلاکت و تباهی می‌کشاند. از این رو، پیشوایان دینی ما در احادیث فراوانی به ما هشدار داده‌اند.

رسول خدا(ص) فرمود:

«إنّ الدینار و الدرهم أهلکا من کان قبلکم و هما مهلکاکم؛ دینار و درهم، کسانی را که پیش از شما بودند، نابود کرد و آن دو شما را هم به نابودی می‌کشند».

در بیانی دیگر فرمود:

«إنّ لكل أمة عجل و عجل هذه الأمة الدینار و الدرهم؛ هر امتی گوساله‌ای دارد (که آن را منحرف می‌کند) و گوساله این امت، دینار و درهم است».

امام صادق(ع) نیز فرمود:

«ابلیس ملعون می‌گوید: در مورد بنی آدم، هر چه مرا خسته و ناتوان کند، یکی از این سه چیز مرا در برابر آدمیزاد ناتوان نمی‌کند: یکی به دست آوردن مال از راه غیر حلال، و دیگری جلوگیری کردن او از پرداخت واجب مالی، و سوم، مصرف کردن آن در راه ناروا و حرام».

آثار مال حرام و حرام‌خواری

۱. پیامبر اکرم(ص) فرمود:

«من اکتسب مالاً من غیر حلّه کان زاده إلی النار؛ هر کس مالی را از غیر راه حلالش به دست آورد، توشه‌اش در آتش است».

۲. امام باقر(ع) فرمود:

«وقتی کسی مالی از راه حرام به دست آورد، خداوند حج و عمره و صله رحم را از او قبول نمی‌کند، بلکه ازدواج با آن مال هم مشکل خواهد بود».

۳. رسول خدا(ص) فرمود:

«کسی که مال مؤمنی را به ناحق از او بگیرد و به او ندهد، خداوند از او روی گردان شده، کارهای او را سرزنش کرده، آنها را در نامه اعمال او نمی‌نویسد تا توبه کند و مالی را که از آن مؤمن گرفته، به او برگرداند».

۴. پیامبر اکرم(ص) فرمود:

«لا یدخل الجنة جسد غُذی بحرام؛ پیکری که از حرام تغذیه شده باشد، وارد بهشت نمی‌شود».

۵. امام صادق(ع) فرمود:

«امیرمؤمنان بارها فرمود: کسی که مال مؤمن را به حرام بخورد، از دوستان ما نیست».

۶. همچنین آن حضرت فرمود:

«هنگامی که لقمه حرام در شکم انسانی قرار گیرد، هر فرشته‌ای که در آسمان‌ها و زمین است، او را لعنت می‌کند و تا وقتی که آن لقمه در شکم اوست، خدا به او نگاه نمی‌کند، و هر کس که لقمه حرام بخورد، به سوی خشم خدا رفته است. پس اگر توبه کند، خدا می‌پذیرد و اگر قبل از توبه بمیرد، آتش به او سزاوارتر است».

۷. نیز فرمود:



«کسی که لقمه حرام بخورد تا چهل شب نمازش قبول نمی‌شود، و دعایش تا چهل روز مستجاب نمی‌شود، و گوشتی که آن لقمه حرام می‌رویاند، به آتش سزاوارتر است. آری، یک لقمه هم گوشت می‌رویاند».

آثار لقمه حلال

۱. پیامبر گرامی (ص) فرمود:
«من أكل الحلال أربعين يوماً نور الله قلبه؛ کسی که چهل روز مال حلال بخورد، خداوند قلب او را نورانی می‌کند».
۲. در حدیث دیگری فرمود:
«من أكل الحلال قام على رأسه ملك يستغفر حتى يفرغ من أكله؛ کسی که روزی حلال بخورد، فرشته‌ای بالای سرش قرار می‌گیرد و برای او طلب آمرزش می‌کند تا وقتی که از خوردن آن فارغ شود».
۳. امام صادق (ع) فرمود:
«یکی از سخت‌ترین واجبات بر بندگان خدا، ذکر زیاد و یاد اوست». سپس فرمود: «مقصودم ذکر سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر نیست، گر چه آن هم ذکر و یاد خداست، بلکه مقصود من، این است که در برخورد با آنچه خدا حلال یا حرام کرده، خدا را یاد کند تا اگر اطاعت خدا بود، به آن عمل کند و اگر معصیت الهی بود، آن را رها سازد».
۴. آن حضرت در حدیث دیگری فرمود:
«ترک لقمه حرام أحبّ الی الله من صلاة ألفی رکعة تطوعاً؛ رهاکردن لقمه حرام، پیش خدا از دو هزار رکعت نماز مستحبی محبوب‌تر است».
۵. در بیان دیگر فرمود:
«لردّة دانق من حرام، يعدل عند الله سبعین ألف حجة مبرورة؛ رها کردن و گذشتن یک دانگ از حرام (یک ششم دینار یا درهم)، پیش خدا معادل هفتاد هزار حج مقبول است».